

یافتن موضوع تحقیق در آغاز فرآیند مساله شناسی مرحله ای مهم است. در آغاز هر پژوهش پس از یافتن موضوع تحقیق باید آن را تبدیل به مساله تحقیق کرد. موضوع شناسی و شناخت مساله از مراحل حساس و اساسی هر تحقیق است. در کتب روش تحقیق اغلب توصیه می شود که موضوع تحقیق باید کاملاً معین و تعریف شده باشد و بهترین راه بررسی نظام مند یک موضوع نیز تقلیل آن به سوال یا سوالات قابل تحقیق است. پرسش یک تحقیق باید به صورت دقیق، روشن و عملی تدوین شود تا بتوان پاسخهای مشخصی را برای آن فراهم آورد. از این رو می توان گفت که مساله شناسی خود، یک فرآیند ذهنی و عملی و شامل یک رشته آزمایش و خطاست که از موضوع یابی آغاز و تا پرسش های روشن و دقیق و عملی ادامه می یابد. در میان طیف وسیعی از کتابهایی که می تواند در مساله شناسی به محققین یاری رساند کتاب های «قواعد روش جامعه شناسی» امیل دورکیم و «بینش جامعه شناختی» سی. رایت میلز حائز اهمیت است. دورکیم در کتاب معروف و مهم خود می گوید قواعد شناخت واقعیت اجتماعی، مشاهده واقعیت و تبیین آن را با نگاه جامعه شناختی ویژه خود باز نمایند. او عناصر ذاتی یک پدیده اجتماعی را بر شمرده و به محقق کمک می کند تا آن را از سایر پدیده ها متمایز سازد. این کتاب را می توان در مساله شناسی فرهنگی - اجتماعی کتاب پایه ای دانست.

کتاب «بینش جامعه شناختی» سی رایت میلز اگرچه با عنوان فرعی «نقد جامعه شناسی امریکایی» بیشتر در صدد ارائه دیدگاه نقادانه نسبت به جریان این علم در امریکا است، اما می تواند از لحاظ روشی بخصوص در جهت مساله شناسی مفید باشد. محققین می توانند با مطالعه این کتاب در تقویت نگاه جامعه شناختی خود بکوشند چرا که یکی از اهداف اصلی میلز در این کتاب بیان این مطلب است که فرد با داشتن بینش جامعه شناختی می تواند از تاثیر رویدادهای تاریخی و ساختارهای اجتماعی بر زندگی خود درک درستی داشته باشد. بنابراین با مطالعه این کتاب می توان با نگاهی نقادانه به مسائل اجتماعی فرهنگی پیرامون توجه کرد. در این قسمت، دو کتاب یادشده معرفی می شوند.

**قواعد روش جامعه شناسی<sup>۱</sup>**  
شرح بخش ها و فصول کتاب

کتاب قواعد روش جامعه شناسی مشتمل بر شش فصل به شرح زیر می باشد:

فصل اول در باب اینکه واقعه اجتماعی چیست به بحث و گفتگو می پردازد. در این قسمت سعی دورکیم بر این است که وقایع اجتماعی را از وقایع روانی جدا کند. بدین منظور بر این اعتقاد است که وقایع اجتماعی ناظر بر شیوه اندیشیدن و شیوه احساس است. در حالی که وقایع روانی به خود عمل، اندیشه و احساس توجه دارد. شیوه عمل، شیوه اندیشیدن و شیوه احساس در قالب وظایف و تکالیف از طریق تربیت به افراد انتقال می یابند و در حقیقت اکتسابی هستند. اموری مستقل از خود افراد هستند و قبل از اینکه افراد متولد شوند، آنها وجود دارند و بعد از اینکه آدمیان نیز از بین روند، آنها به حیات خود ادامه خواهند داد. بنابراین، «خارجی بودن» و استقلال آنها نسبت به افراد از ویژگی های اساسی وقایع اجتماعی است. از سوی



○ بهترین راه  
بررسی نظام مند  
یک موضوع، تقلیل آن  
به سؤال یا سؤالات  
قابل تحقیق است

آموزشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
۱۳۳۳  
۴۰۰۰۰۰۰۰

قواعد  
**روش جامعه شناسی**

ناهد  
امیل دورکیم

ترجمه  
علیرضا کاروان

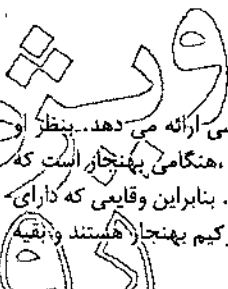
# مساله

بنابراین نتوانسته اند، علم معطوف به وقایع و پدیده های اجتماعی را بطور عملی تاسیس کنند. در این راستا، یعنی در راستای شیئی «بدین وقایع اجتماعی» اولین کار این است که هرگونه تصور و مفهوم پیش ساخته را از ذهن خود دور کنیم. در گام دوم باید تعریف واحد و یکدستی از پدیده ها ارائه نماییم. اما این تعریف باید عینی باشد، بدین جهت پدیده ها را باید از روی صفات ذاتی آنها یعنی به کمک عنصری که جزء ساختمان طبیعی آنهاست، مشخص سازیم. این عناصر را باید به صورت بیواسطه و مستقیم دید تا بتوان پدیده ها را براساس خصائص مشترکشان طبقه بندی کرد. بنابراین با طبقه بندی پدیده ها اولین گام شناخت علمی معین می شود. با طبقه بندی پدیده ها وقایع مذکور را از تجلیات فردی خودشان جدا می کنیم.

دورکیم بعد از اینکه قواعد مشاهده پدیده های اجتماعی را برمی شمرد، در فصل سوم قواعدی را برای تشخیص

دیگر این وقایع از خود نیرویی دارند و افراد این نیرو را زمانی در می یابند که در برابر آن از خود مقاومت نشان دهند و یا در جایی که افراد خواسته باشند تخلفی از خود نشان دهند، واقعه اجتماعی، در برابر آنها قدامت می کند. این نیرو یعنی ویژگی جبری بودن، نیز حاصل دریافت و تصور مشترک در میان همه شعورهای فردی و نیز حاصل حیات، عمل و عکس العمل های مشترک در میان همه افراد است. بدین جهت یکی دیگر از ویژگی های واقعه اجتماعی عمومیت داشتن آنهاست.

در فصل دوم، دورکیم به موضوع قواعد مشاهده وقایع اجتماعی می پردازد. اصل اساسی در مشاهده پدیده های اجتماعی این است که آنها را جدا از تفکر فاعل شناسایی تلقی کنیم. این یعنی «شیئی» دیدن پدیده های اجتماعی. در نزد دورکیم، بسیاری از جامعه شناسان بجای اینکه خود واقعیت اجتماعی را مورد بررسی قرار دهند، تصورات خود را در شناخت واقعیت دخالت داده اند.



وقایع هنجار و نابهنجار یا مرضی ارائه می دهد. بنظر او این است که علت هر واقعه اجتماعی را باید به مدد واقعه هر واقعه اجتماعی برای جامعه، هنگامی بهنجار است که در میانگین آن جامعه دیده شود. بنابراین وقایعی که دارای عمومی ترین صورتند در نزد دورکیم بهنجار هستند و بقیه موارد مرضی می باشند.

جهت تشخیص وقایع هنجار از نابهنجار باید در گام اول صورت های نوعی اجتماعی را تشکیل داد. این موضوع را دورکیم در فصل چهارم بررسی می کند.

بدین ترتیب که برای تشکیل صورت های نوعی قواعدی را بر می شمارد. تشکیل صورت های نوعی اجتماعی چیزی نیست جز طبقه بندی اجتماعات که از طریق صفات واقعا

اساسی آن ها انجام می شود. دورکیم این موضوع را با تفسیر مهم می داند که معتقد است یکی از بخش های جامعه شناسی را باید تحت این عنوان یعنی صورت شناسی اجتماعی راه اندازی کرد. کار طبقه بندی آن است که

نشانه هایی را بدست دهد که توسط آن مشخصات ما جهت یابد. در اینجا دورکیم معتقد است که باید در ابتدا اجتماعات را از روی میزان ترکیب آنها طبقه بندی کرد و اجتماع کامل بسیط و یک بخشی را اساس کار قرار داد. سپس در

درون طبقات، برحسب بهم پیوستن یا نپیوستن کامل بخش های نخستین به تشخیص انواع گوناگون پرداخت. دورکیم در فصل پنجم به بررسی چگونگی تبیین وقایع اجتماعی می پردازد. در نزد دورکیم ما دو نوع تبیین داریم. یکی بررسی واقعه اجتماعی از جهت مفید بودن یا

زیان داشتن و در واقع بررسی آثار و معلول های آن است. و دیگری تبیین واقعه بر اساس علت فاعلی آن. تبیین نوع اول تبیین کارکردی است و تبیین نوع دوم تبیین علی است. در نزد دورکیم، تبیین نوع دوم بر اولی مقدم است. علاوه بر در نظر گرفتن موضوع فوق، قاعده دیگری در تبیین وقایع اجتماعی بسیار مهم است و آن

درون طبقات، برحسب بهم پیوستن یا نپیوستن کامل بخش های نخستین به تشخیص انواع گوناگون پرداخت. دورکیم در فصل پنجم به بررسی چگونگی تبیین وقایع اجتماعی می پردازد. در نزد دورکیم ما دو نوع تبیین داریم. یکی بررسی واقعه اجتماعی از جهت مفید بودن یا

زیان داشتن و در واقع بررسی آثار و معلول های آن است. و دیگری تبیین واقعه بر اساس علت فاعلی آن. تبیین نوع اول تبیین کارکردی است و تبیین نوع دوم تبیین علی است. در نزد دورکیم، تبیین نوع دوم بر اولی مقدم است. علاوه بر در نظر گرفتن موضوع فوق، قاعده دیگری در تبیین وقایع اجتماعی بسیار مهم است و آن

رخ داده میان دو پدیده تکیه می شود و نشان داده می شود که دو واقعه، لاقط از لحاظ کمیت خود از هم دیگر بهره مند می شوند و همین تاثیر و تاثیر متقابل به تنهایی برای اثبات اینکه دو واقعه نسبت به هم بیگانه نیستند، کافی است. از نظر دورکیم مزیت این روش این است که از درون بر رابطه علی دست می یابد.

### محور اصلی کتاب از نظر روش شناسی

دورکیم در کتاب قواعد روش جامعه شناسی قصد دارد به دو سوال اساسی پاسخ دهد، یکی اینکه واقعیت اجتماعی و ویژگی های سازنده آن چیست؟ و دیگری اینکه چگونه می توان این واقعیت را شناخت و به تبیین آن دست یافت؟

بنظر می رسد که دورکیم در کتاب مزبور بیشتر به سوال دوم، پاسخ گفته است. او برای این منظور قواعدی را ترتیب می دهد. قواعد «مشاهده»، قواعد «تشکیل صور اجتماعی»، قواعد «تبیین وقایع اجتماعی» و قواعد «حجت آوری» هر یک گویی طیفی را تشکیل می دهند که از جمع آوری اطلاعات تا شیوه تحلیل و تبیین را در بر می گیرد. البته مباحث دورکیم در تشریح هر یک از مراحل تحقیق آمیخته با استدلال فلسفی و نظری است. بنابراین بخش قابل توجهی از موضوعات مربوط به روش شناسی نظری را می توان در این کتاب یافت.

### نکات مورد استفاده برای محققین

بی شک یکی از مهم ترین موضوعات و سوالاتی که برای پژوهشگر حوزه علوم اجتماعی مهم است، این سوال است که «پدیده اجتماعی» چیست؟ آنچه که مساله اجتماعی را از سایر پدیده ها (مانند مسائل فردی روانی) جدا می کند، چیست؟ ویژگی های اساسی و عناصر ذاتی یک پدیده اجتماعی را چگونه می توان دریافت و ترسیم کرد؟ اینها از مهم ترین سوالات اساسی برای پژوهشگر است و تا زمانی که محقق به آنها پاسخ نسبت قانع کننده ای ندهد، نخواهد توانست گام اول تحقیق را که بیان مساله، ضرورت های آن، ارائه عنوان مناسب و چارچوب های اساسی تحقیق است، بردارد. کتاب قواعد روش جامعه شناسی دورکیم، علاوه بر اینکه یک کتاب

سی رات میز

بینش جامعه شناختی

نقدی بر جامعه شناسی امریکائی

ترجمه  
دکتر عبدالعزیز انصاری

# شناسی

○ مساله شناسی خود یک فرایند ذهنی و عملی و شامل یک رشته آزمایش و خطاست که از موضوع یابی آغاز و تا پرسش های روشن و دقیق و عملی ادامه می یابد.

○ از نظر دورکیم برای تشخیص اینکه یک پدیده علت پدیده دیگر است، تنهایی توان از روش مقایسه ای یا روش تطبیقی استفاده کرد یعنی مقایسه مواردی که در آن، دو پدیده با هم حاضر یا غایب باشند.

○ دورکیم در کتاب قواعد روش جامعه شناسی می گوید قواعد شناخت واقعیت اجتماعی، مشاهده واقعیت و تبیین آن را با نگاه جامعه شناختی ویژه خود باز نمایند.

روش شناسی نظری است، خود نوعی مبانی و مقدمات جامعه شناسی است. بنابراین می توان گفت که این کتاب با ترکیب مناسب و ضروری این دو حوزه می تواند مسائل و مضامین نظری و ذهنی و ریشه ای پژوهشگران علوم اجتماعی را حل نماید.

## بینش جامعه شناختی ۲

کتاب مشتمل بر ده بخش و یک ضمیمه است. بخش های کتاب عبارتند از: ۱- نوید علوم اجتماعی؛ ۲- نظریه کلان؛ ۳- تجربه گرایی انتزاعی؛ ۴- انواع شیوه های علمی؛ ۵- اخلاق دیوان سالاری؛ ۶- فلسفه علم؛ ۷- انواع جامعه های بشری؛ ۸- استفاده های تاریخ؛ ۹- درباب خرد و آزادی؛ ۱۰- در باب سیاست در علوم اجتماعی. ضمیمه کتاب «درباره کسب و کار فکری» است.

هدف اصلی میلز در این کتاب، نقد سنت جامعه شناسی معاصر امریکاست. او روش تجربه گرایی انتزاعی را در تحلیل مسائل اجتماعی به نقد می گذارد و به اینکه جامعه شناس کارش جمع آوری جزئی اطلاعات و آمار باشد، اعتراض دارد. بنظر میلز، تجربه گرایی انتزاعی نوعی دیوان سالاری در تحقیقات اجتماعی بوجود آورده اند. او در این کتاب، ضرورت تحقیقات تاریخی - تطبیقی را مد نظر قرار داده است.

پرسش اصلی کتاب این است که هدف و رسالت علوم اجتماعی چیست؟ در علوم اجتماعی به مطالعه چه نوع پدیده هایی و با چه روشی باید پرداخت؟

در بخش اول که عبارتست از نوید علوم اجتماعی، نویسنده، داشتن بینش جامعه شناسانه را ضروری می داند و معتقد است که برای آنکه فرد از زندگی خودش درک بهتری داشته باشد باید واجد بینش جامعه شناختی باشد. چنین بینشی باعث می شود که فرد تاثیر رویدادهای تاریخی و ساختارهای اجتماعی را در زندگی خصوصی خود دریابد. او در این بخش به فواید داشتن چنین بینشی اشاره می کند. سپس نوعی تقسیم بندی میان گرفتاری های خصوصی و مسایل عام اجتماعی ارائه می دهد. گرفتاری های خصوصی، ناشی از شخصیت فرد و رابطه نزدیک او با دیگران است. مسائل عام به اموری اطلاق می شود که حاکم بر شرایط خاص و زندگی خصوصی افراد است. یک مساله عام، یک موضوع عمومی است و زمانی پدید می آید که مردم یک جامعه متوجه می شوند که ارزش های اجتماعی آنان نادیده گرفته شده یا تهدید شده است.

در بخش دوم که عبارتست از «تئوری کلان»، بطور مشخص به نقد یک دیدگاه غالب در جامعه شناسی امریکا می پردازد و کتاب «نظام اجتماعی» پارسنز را به تحلیل می کشد. نقل قولهایی از این کتاب می آورد و سپس به نقد آن می پردازد. نهایتاً می نویسد که کتاب نظام اجتماعی پارسنز را می توان در چند عبارت ساده خلاصه کرد. در تحلیل نهایی، میلز در واقع تئوری های کلان را به نقد می کشد و به توضیح شیوه تفکری می پردازد که تئوری کلان، مبین آن است. از نظر میلز، اساسی ترین خصلت تئوری کلان فوق العاده کلی بودن آن است که به سختی قابل مطالعه تجربی است. معتقد است در این نوع تئوری ها، مفاهیم بسیار کلی و انتزاعی مطرح می شود که به راحتی قابل مطالعه تجربی نیستند. بنظر میلز، هر مساله اساسی که توسط تئوری کلان مورد توجه قرار

## ○ به اعتقاد میلز، فرد با داشتن بینش جامعه شناختی می تواند از تاثیر رویدادهای تاریخی و ساختارهای اجتماعی بر زندگی خود درک درستی داشته باشد.

## ○ یک مساله عام زمانی پدید می آید که مردم یک جامعه متوجه می شوند که ارزشهای آنان نادیده گرفته شده یا تهدید شده است.

## ○ ثبت مشاهدات و تجربیات روزانه و گفتگو با افراد مختلف، از جمله مواردی است که میلز به پژوهشگران توصیه می کند.

گرفته نتوانسته به روشنی تبیین شود.

بخش سوم با عنوان «تجربه گرایی انتزاعی»، این شیوه را نیز همانند تئوری های کلان، حاکم بر تحقیقات اجتماعی و آذهان محققان می داند. از نظر او این دوشیوه، تمهیدات علوم اجتماعی را نادیده می گیرند. در این بخش، مشخصات کلی و فرضیه های این روش تحقیق را معرفی می کند.

در بخش چهارم با عنوان «انواع شیوه های عملی» آمده است: تمام دانشمندان علوم اجتماعی در تحقیقات خود ملاک های اخلاقی و سیاسی را در نظر می گیرند. علوم اجتماعی از لحاظ تاریخی بیشتر مورد استفاده ایدئولوژیک قرار گرفته تا استفاده های بوروکراتیک. به عنوان مثال جامعه شناسی امریکا بیشتر تحت تاثیر لیبرالیسم قرار گرفته است. اگر در علوم اجتماعی امریکا یک مشخصه وجود داشته باشد، همانا تمایل و تمصبی است که برای مطالعات پراکنده، بررسی های تجربی و دگرترین چند علتی است. اینها خصوصیات اساسی مطالعات اجتماعی لیبرالیستی است.

در بخش پنجم «اخلاق دیوان سالاری» چنین آمده است که روش تجربه گرایی انتزاعی و کاربردهای دیوان سالاری ناشی از آن، باعث دیوان سالار شدن علوم اجتماعی شده است. نویسنده در این بخش به تراست ها و کارتل های تحقیقاتی در جامعه امریکا اشاره کرده و بر روند سفارش دهی و سفارش پذیری موضوعات تحقیق که مشابه عمل شرکت های تجاری است اعتراض می کند و نیز وابستگی دانشگاهیان به نظام تجاری و غیرمستقل بودن آنان را مورد اعتراض قرار می دهد.

در بخش ششم که «فلسفه های علم» عنوان دارد، عموماً به شیوه کار محققان پرداخته است. از نظر نویسنده محقق علوم اجتماعی قبل از هر چیز باید ماهیت موضوع مورد تحقیق خود را بشناسد. محقق باید بتواند یک سوال روشن مطرح کرده و مساله را خوب تدوین کند و نیز مشخص کند که با چه روشی باید موضوع مورد نظرش را

مطالعه کند. هیچ مسالهای نمی تواند بطور کامل تدوین شود مگر اینکه ارزش های مربوط به آن و عواملی که آن ارزشها را تهدید می کند، بیان شود. تدوین مساله باید به گونه ای باشد که روابط علی میان ساخت اجتماعی و شرایط خاص را معین کند.

بخش هفتم به «انواع جامعه بشری» اختصاص دارد. به اعتقاد نویسنده، تحقیقات اجتماعی و بطور کلی علوم اجتماعی باید کلیه جوامع بشری را مدنظر قرار دهد و دنیاهای اجتماعی متفاوت را بررسی نماید. چنین مطالعه ای بسیار گسترده و متنوع است و نیازمند سایر رشته ها و تخصص ها نیز هست. لذا باید نوعی طبقه بندی در علوم اجتماعی صورت گیرد که مبتنی بر مسایل متفاوت است. تخصص و تقسیم بندی علوم اجتماعی باید برحسب ماهیت مسایل و نه ضوابط دانشگاهی صورت گیرد.

در بخش هشتم که «استفاده های تاریخی» نام دارد، استفاده علوم اجتماعی از یافته های تاریخی را یادآور می شود. البته این نکته را عنوان می کند که یک نوع استفاده از تاریخ بر علوم اجتماعی امروز امریکا جریان دارد که سطحی است نه واقعی.

بخش نهم «درباب خرد و آزادی» است. در این بخش او مفهوم خرد و آزادی را در دیدگاه لیبرالیستی نقد کرده و سپس دیدگاه خود را درباره آزادی و عقل مطرح می کند.

سرانجام بخش دهم به موضوع «سیاست در علوم اجتماعی» اختصاص دارد. در این بخش به محققان هشدار می دهد که نگذارند نتایج تحقیقتان مورد سوء استفاده سیاستمداران واقع شود. همچنین در مورد نقش مستقل و ویژه دانشمندان علوم اجتماعی بسیار تاکید می کند.

سرانجام این مطلب را پیشنهاد می کند که باید مسایل عظیم ساختی و مشکلات شخصی مردم را مورد توجه قرارداد و محققان باید این مسائل را به عنوان مسائل علوم اجتماعی تدوین و تنظیم کنند. این تنهاری است که رسالت علوم اجتماعی را باز می شناساند.

ضمیمه ای که در باب کسب و کار فکری آمده، نکات ارزشمندی برای محققان و دانشجویان علوم اجتماعی در بردارد. در این بخش بر ثبت مشاهدات و تجربیات روزانه بسیار تاکید دارد و این موضوع را بعنوان شیوه کار خود نیز معرفی می کند. همچنین، توصیه می کند که یک محقق باید با افراد بسیاری گفتگو کند و از دیدگاه های گوناگون مطلع شود.

کتاب بینش جامعه شناسی با بخش ضمیمه پایان می یابد و فاقد نتیجه گیری کلی و نهایی است. چرا که هر فصل آن حاوی پیامی خاص و مستقل است.

### پی نوشت ها:

۱) قواعد روش جامعه شناسی: امیل دورکیم، ترجمه علی محمدکارخان، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، آذر ۱۳۶۸. معرفی این کتاب، توسط ناصرالدین غراب انجام شده است.

۲) بینش جامعه شناختی، نقدی بر جامعه شناسی امریکایی، نوشته: سی آریت میلز، مترجم دکتر عبدالعبود انصاری، چاپ شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰. معرفی این کتاب توسط فرحناز صام انجام شده است.